فصلنامه مطالعات سیاست بین‌الملل
دوره ۲، شماره ۲، شماره پیاپی (۳)، تابستان ۱۴۰۱، ص ۸۷ ـ ۷۵

مقاله پژوهشی

رابطه‌ی خودپنداره‌ی تیم هسته‌ای دولت روحانی و رئیسی با شیوه‌ی مذاکره آنها

حمید احمدی‌نژاد[1]، ارسلان قربانی شیخ‌نشین[2]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

چکیده:

مذاکرات بین‌المللی علی‌رغم آن که یکی از فراگیرترین فرآیندهای سیاست جهانی بوده، اما نسبت به سایر وجوه روابط بین‌الملل بسیار کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. همین غفلت درباره‌ی مذاکره‌ی چند دهه‌ی ایران و غرب درباب مساله‌ای هسته‌ای به چشم می‌آید. از اینرو هدف این پژوهش مقایسه‌ی شیوه‌ی مذاکره‌ی ایران در دو مقطع مختلف سیاست خارجی است. اهمیت این مساله در آن است که در هیچ موضوعی به اندازه پرونده هسته‌ای، جمهوری اسلامی نگرش‌های متفاوت و به تبع آن رفتارها و کنش‌های متفاوت و حتی متضادی به نمایش نگذاشته است، لذا شناخت شیوه‌ی مذاکره به عنوان خروجی خودپنداره‌ی هر دولت به‌معنای تصویری که از خود دارد و می‌خواهد دیگران نیز این تصویر را همان‌گونه درک کنند می‌تواند راهگشای فهم کنش‌های متفاوت باشد. سؤال اصلی مقاله آن است که؛ خودپنداره‌ی تیم هسته‌ای روحانی و رئیسی منجر به چه نوع شیوه‌ی مذاکره‌ای در برابر طرف‌های غربی شده است؟. یافته‌های پژوهش برمبنای روش توصیفی- تحلیلی نشان می‌دهد که خودپنداره‌ی تیم روحانی به دلیل غلبه‌ی حساسیت نسبت به تصویر خود از سوی بازیگران خارجی باعث تجویز شیوه‌ی مذاکره‌ی تلفیقی و خودپنداره‌ی تیم رئیسی به دلیل اهمیت تصویر خود نزد خویش باعث شیوه‌ی مذاکره‌ی توزیعی شده است.

واژگان اصلی: خودپنداره، تیم هسته‌ای، مذاکره، دولت رئیسی، دولت روحانی.

۱. دانش آموخته دکتری روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
ahmadihamid106@gmail.com

۲. استاد روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

مقدمه

جهان‌بینی افراد از خود و احساسی که نسبت به درک این «خود» از سوی دیگران دارند و شاکله‌ی «کیستی» آن‌ها را شکل می‌دهد تأثیر انکارناپذیری بر نوع کنش دولت‌ها دارد. لذا باید گفت خودپنداره‌ی یک دولت که حاصل‌جمع همه‌ی باورها، ارزش‌ها، قواعد و...کارگزارن تصمیم‌گیر است زمینه‌ی نگرش خاص به یک موضوع و اتخاذ شیوه‌ی تصمیم متناسب با آن نگرش خاص را به وجود می‌آورد. بنابراین، آیینه‌ی تصویر از خود بر نگرش تیم سیاستگذاری تأثیر بسیار بالایی دارد که نادیده انگاشتن آن باعث نقص تحلیل می‌گردد. نقش و جایگاه بی‌بدیل این تصویر از خود که در زبان روانشناسی همان خودپنداره نامیده می‌شود بدان دلیل است که، اگر نگوییم همواره اما در غالب موراد می‌تواند بر سایر متغیرها چیره و یا حداقل تأثیر آنها را در صورتی که منطبق با آن تصویر نباشد تعدیل و به حداقل برساند. پس خودپنداره با شکل دادن به تصویر از خود قالبی فراهم می‌آورد که یک نوع کنش خاص را تجویز یا رد می‌کند این فرآیند را می‌توان به طور خلاصه این گونه بیان کرد که خودپنداره‌ی افراد باعث یک تصویر مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای خاص از خود می‌شود، این ارزش‌ها به عنوان دال‌های مرکزیِ هویت افراد، زمینه‌ی قالب‌های فکری و از پیش تعیین شده‌ی ذهنی از دیگران را ایجاد و در نهایت به تناسب آن تصویر از خود و این تصویر از دیگران نوع خاصی از کنش و گفتگو برای تصمیم را اتخاذ می‌کنند. هدف اصلی این پژوهش نیز پرداختن به همین مفروض است. به این معنا که اگر در سطح داخلی نگرش و رفتار افراد کارگزار تحت تأثیر خوپنداره‌ی آن‌ها «X»- اگر- باشد بنابراین منجر به صورت‌بندی خاصی از گفتگو در موضوع هسته‌ای «Y»- پس- می‌شود. سوالی که در جهت پرداختن به این هدف طرح شده آن است که؛ خودپنداره‌ی تیم هسته‌ای روحانی و رئیسی منجر به چه نوع شیوه‌ی مذاکره‌ای در برابر طرف‌های غربی شده است؟. برای به آزمون گذاشتن این سؤال، ضمن توضیح نقش و تأثیر طرح‌واره‌ی متغیر فرد در سیاست خارجی، به خودپنداره‌ی سیاست خارجی رئیسی و روحانی یعنی تصویری که از سیاست خارجی خود ارائه داده‌اند پرداخته می‌شود. سپس پایگاه افراد تیم مذاکره کننده‌ی دو دولت بازشناسی و در نهایت شیوه‌ی مذاکره‌ی متأثر از این پایگاه و تصویر از خودِ آنها نشان داده خواهد شد. ذکر این نکته نیز ضروری می‌نماید که با توجه به «در حالِ بودن» مذاکرات، هرنتیجه‌ای مبنی بر توافق یا عدم‌توافق حاصل شود تاثیری در تغییر محتوای این پژوهش نخواهد داشت. چرا که هدف نویسندگان نه بررسی فرآیندِ موفقیت یا

شکست ناشی از نتیجه‌ی مذاکره، بلکه تنها شیوه‌ی مذاکره برپایه‌ی اهداف و منافع طرح شده و عناصر منطبق بر خودپنداره‌ی این دو دوره است. طرحی مفهومی پژوهش را می‌توان به صورت زیر نشان داد؛

شکل ۱. طرح مفهومی پژوهش

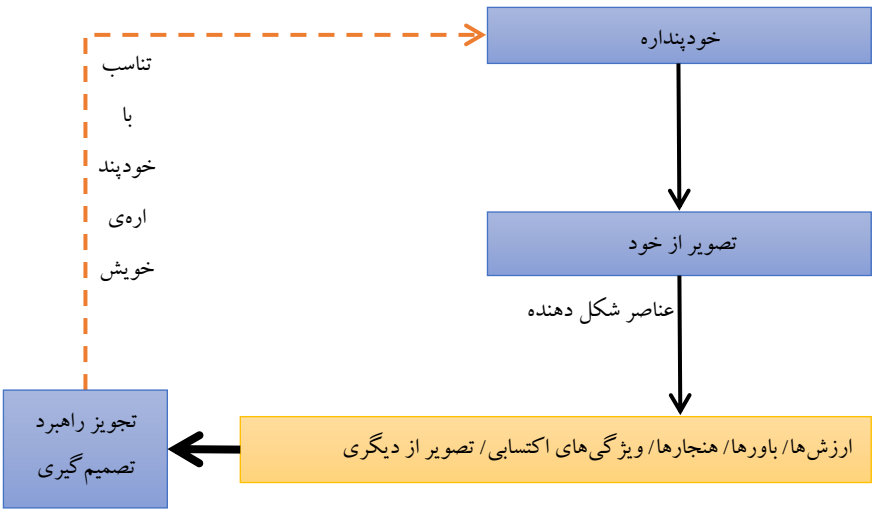

منبع: نگارندگان

۱. چارچوب تئوریک؛ خودپنداره

خود یا خویش مهمترین وجه هویت و هستی هر فرد را شکل می‌دهد. به‌واقع در پاسخ به این سؤال که هستید؟ یا چه چیزی شما را به «شما» تبدیل کرده است؟، اگر کسی پاسخی نداشته باشد آنگاه برای تصمیم‌گیری، عمل و کنش هیچ اصل و مبنایی هم نخواهد داشت. اما در طرف مقابل فردی که در پاسخ به این سؤال می‌داند که کیست و به عبارتی خود را با هویتی تعریف می‌کند، پاسخ او به معنای آگاهی از خود به عنوان یک هویت دارد. این پاسخ از حس درونی فرد نسبت به خویش ناشی می‌شود و ضمن آن که اکتسابی است، در طول زندگی نیز از طریق ارزیابی و تنظیم بازتولید می‌گردد. این حس را در روانشناسی خودپنداره می‌نامند (Ackerman,2021: 1). از نظر هورلوک[۱] خودپنداره تصویر ادراک از خود است

[۱]. Hurlock

و ادراک نیز باور، احساسات و نگرش در مورد ارزش‌هایی است که توسط فرد به عنوان ویژگی‌های او شناخته می‌شود (Hurlock,1979: 93). لذا خودپنداره یک ایده کلی است در مورد این که ما از نظر جسمی، عاطفی، اجتماعی، معنوی و هر جنبه دیگری که ما را تشکیل می‌دهد چه کسی هستیم. درواقع خودپنداره از طرح‌واره‌های خودِ فرد که شامل خودهای گذشته، حال و آینده است تشکیل می‌شود. این طرح‌واره‌ها نشان می‌دهد که فرد دوست دارد به چه کسی تبدیل شود یا از تبدیل شدن به چه چیزی می‌ترسد (Rathod,2019: 7). برهمین اساس خوپنداره را مجموعه‌ای سازمان یافته از باورهای فرد تعریف می‌کنند که آن شخص درباره‌ی هستی خود دارد (پورحسین،۱۳۸۳: ۹). این مفهوم اگرچه با مفاهیم تصویرخود و هویت مرتبط است اما از آنها متمایز می‌باشد، چرا که خودپنداره جنبه‌هایی است که «من» را شکل می‌دهد، یعنی مفاهیم ذهنی که تعریف می‌کنند مردم چه کسانی هستند، بودند و خواهند شد. به‌طور دقیق‌تر، خودپنداره به کل افکار و احساسات یک فرد به خویش به عنوان یکشی اشاره داشته و به همین دلیل بار معنایی بزرگ‌تری از «تصویرخود» و هویت» دارد (Wehrle and Fasbender,2018: 2). مبتنی بر مباحث طرح شده می‌توان گفت معنای اشیاء، رویدادها و کنش‌ها برای دولت آن معنا برای افرادیست که به نام دولت عمل می‌کنند (Weldes,1996: 280) در کلام صحیح‌تر، متأثر از خوپندارگی نقش هویتیِ یک دولت از سوی افرادی که به نمایندگی از آن اتخاذ تصمیم می‌کنند شکل می‌گیرد و این هویت منافع دولت را تعریف، برساخته و شکل می‌دهد. لذا عناصر خودپنداره‌ی افراد که طرح‌واره‌ی آنها را قوام می‌دهد تعیین می‌کند که آنها باید چگونه عمل کنند تا آن باشند که می‌خواهند.

۲. نقش طرح‌واره‌ی متغیر فرد در سیاست خارجی ایران

برخی از رهبران جهان را محل تنازع می‌دانند که تنها از طریق زور این تنازع را می‌توان حل کرد و لذا بی‌اعتمادترند، در حالی که برخی دیگر خود را بخشی از جامعه جهانی می‌بینند و معتقدند مشکلات را می‌توان به بهترین نحو حل کرد (Kaarbo, Lantis, and Beasley,2012: 19). به واقع باورهای رهبران سیاسی نقشه مسیر آنها را ترسیم می‌کند (Hermann,1980: 10) برهمین اساس متغیر فرد به عنوان دارنده نقش اول در

تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی (روزنا،۱۳۸٤: ۱۷۲) شامل همه ابعاد فرد تصمیم‌گیرنده یعنی ارزش‌ها، استعدادها و تجربیات اوست که باعث تمایز رفتار او از دیگر تصمیم‌گیرندگان می‌شود (Rosenau,1971: 108). این تمایزاتِ برخواسته از ویژگی‌های فردی منجر به تفاوت‌ها در سبک رهبری شده و اثرات مستقیم و غیرمستقیمی بر سیاست خارجی دارد (Kaarbo,1997: 554). در نتیجه از آنجا که فهم طرح‌واره‌ی فرد به معنی فهم رفتار سیاسی و رمزگشایی از دولت خواهد بود برخی معتقدند تاریخ چیزی جز بیوگرافی نخبگان نیست (انصاری و برزگر، ۱۳۹۳: ۱۲۵). اهمیت توجه به این متغیر در کشورهای شخصیت‌محور که تصمیم‌های سیاست خارجی در حد بسیار بالایی متأثر از ویژگی‌های شخصیتی رهبران است دوچندان می‌نماید و سیاست خارجی ایران نیز به دلیل وجود گرایش‌های آرمانی همواره حالتی ویژه و شخصیت‌محور داشته است (متقی و صفاری‌امان، ۱۳۹۵: ۹) به واقع یکی از علل متحول سیاست خارجی ایران (در تاکتیک‌ها) همین نقش و تأثیر فرد است. به عبارتی نقش فردی و نفوذ در لایه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی حال یا بر مبنای اقتدار شخصی یا کاریزماتیک، همواره بخش مهمی از گزاره تصمیم‌گیری در ایران بوده است (باقری‌دولت‌آبادی و مردانلو،۱۳۹٤: ۳۳). بنابراین اغراق نیست اگر بگوئیم تبیین سیاست خارجی ایران و کنش‌های آن بدون توجه به متغیر فرد کاری عبث خواهد بود. با توجه به این تأثیر متغیر فرد می‌توان ساختار شکل‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به صورت ساده این‌گونه نشان داد؛

شکل ۲. شکل‌گیری سیاست خارجی ایران برپایه نوع رابطه فرد و ساختار

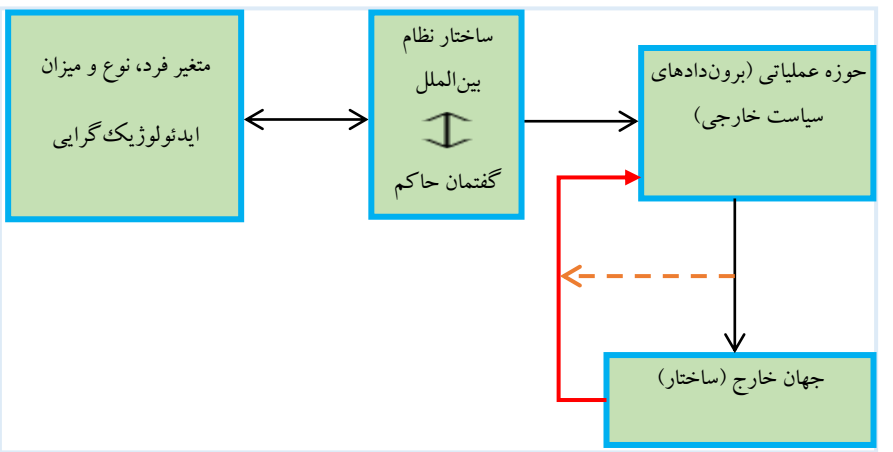

منبع: نگارندگان

در شکل ۲، متغیر فرد و همچنین نوع و میزان ایدئولوژیک گفتمان حاکم که به نوعی بازتولید همان متغیر فردِ حاکم در سیاست خارجی است ابتدا بر نگاه به ساختار و سپس نوع رویکرد با آن تأثیر می‌گذارد. به تناسب رابطه بین ساختار و گفتمان حاکم به عنوان کارگزار، حوزه عملیاتی سیاست خارجی شکل گرفته و به جهان خارج صادر می‌شود. در این فرآیند دنیای بیرون نیز برون‌دادهای خود را ابتدا براساس حوزه عملیاتی سیاست خارجی ایران، سپس به تناسب همان رویکرد شکل‌گرفته که قبل از حوزه عملیاتی قوام یافته بود به حوزه سیاست خارجی ایران صادر می‌کند. این فرآیند شکل‌گیری توجه به همان مفروضه‌های «اگر-پس» مورد نظر روزنا می‌باشد. یعنی مشخص کردن این که اگر شکلی خاص از فاکتور داخلی باشد، پس نوع خاصی از رفتار خارجی ایجاد می‌شود. به این ترتیب سیاست خارجی ایران علی‌رغم آن که مبتنی بر برخی اصول غیرقابل تغییر است و فارغ از این که چه دولتی بر سرکار بیاید همچنان راهنما و چراغ هدایت سیاست خارجی خواهند بود، اما تاکتیک‌های اجرا در سیاست خارجی با تغییر افراد و به دنبال آن تغییر دال‌ها دچار تحول می‌شوند، این بدان معناست که متغیر فردی برپایه‌ی ادراک، ارزش، هنجار و تصویر از خود و دیگری اساس تحول در کنش‌های متفاوت سیاست خارجی است.

۳. خودپنداره‌ی متعامل اعتدال‌گرایانه‌ی روحانی[۱] در پرونده هسته‌ای

تاکید بر عادی بودن روابط با جهان باعث نام‌گذاری روحانی و پیروانش به اعتدال‌گرایان شد (Rezaei,2017: 213). لذا اولویت و هسته اصلی دولت اعتدال تمایل به مصالحه به جای مواجهه می‌باشد (Scruton,2007: 444). برهمین اساس روحانی موضوع هسته‌ای به عنوان عاملی که باعث مواجهه می‌شود را مساله‌ای در کنار منافع دیگر کشور می‌دانست، نه موضوعی بر فراز منافع و موضوعات دیگر (رضائی و ترابی،۱۳۹۲: ۱٤۹). بنابراین او اگرچه همچون سایر ایرانیان از حامیان برنامه هسته‌ایِ مترادف با حق حاکمیت و غرور ملی بود، اما اولویت اصلی را به بقاء جمهوری اسلامی داد (Monshipouri and Dorraj,2013: 136). به‌واقع روحانی با ایجاد توازن بین تقابل بازدارنده به عنوان دال مرکزی ستیزش و تسلیم بازنده به عنوان دال مرکزی گفتمان سازش،

۱. Moderate interaction

تعامل سازنده را هسته مرکزی دیپلماسی هسته‌ای خود قرار داد (دهقانی‌فیروزآبادی و عطایی،۱۳۹۳: ۱۰۵). از نگاه دولت اعتدال، مذاکرات و شفافیت برنامه هسته‌ای راه‌حل مناسبی برای این تعامل و نشان دادن عقلانی بودن ایران و واهی بودن بهانه‌های طرف‌های مقابل بود. می‌توان گفت در دولت روحانی بازنمایی پرونده هسته‌ای در قالب یک موضوع غیرامنیتی براساس سه تاکتیک صورت گرفت. نخست تاکتیک رفتاری از طریق مذاکره و اتخاذ رویکرد آشتی‌جویانه، دوم تاکتیک گفتاری از طریق اصلاح بازنمودها و لحن گفتاری در سیاست خارجی و نهایتاً تاکتیک عملی با اتخاذ رویکردهای عملیاتی و دیپلماسی نتیجه بخش (سلطانی‌نژاد، گودرزی و نجفی،۱۳۹٤: ۱۸۰). مهم‌ترین نمود این تاکتیک سوم انتقال مذاکرات از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه بود. به اعتقاد روحانی پیام این انتقال آن بود که مساله هسته‌ای موضوعی نه امنیتی بلکه سیاسی است (عابدینی و ایزدی،۱۳۹٦: ٦۳). نتیجه‌ی این سه تغییر تاکتیکی، به حاشیه رانده شدن دال «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست» و برجسته شدن «انرژی هسته‌ای آرمان نیست» بود. در واقع روحانی با این اقدام سطح دسترسی ایران به انرژی هسته‌ای را در عرض دیگر دسترسی‌های ملت قرار داد. این گفته روحانی که سانتریفیوژ باید بچرخد اما چرخ زندگی مردم نیز باید بچرخد، حاکی از این جابجایی دال‌ها در دولت اعتدال و بازنمایی سیاسی از پرونده هسته‌ای بود (علیپوریان و نوری‌اصل،۱۳۹۳: ۱۰۱).

به این ترتیب خودپنداره‌ی دولت روحانی در جهت نشان دادن تصویر خود به دیگر بازیگران به عنوان دولتی متعامل که اهمیت محوری در سیاست خارجی او باعث تغییر ماهیت پرونده هسته‌ای از امنیتی به غیرامنیتی در این دوره شد. البته در سطح داخلی طرح نرمش قهرمانانه از سوی رهبری که باعث کنترل روحانی بر مذاکرات شد (Arikan,2014: 3)، و در سطح خارجی استقبال و واکنش مثبت طرف‌های مقابل از تصویر ارئه شده از سوی روحانی فرآیند تبدیل پرونده به موضوعی سیاسی را تسهیل کرد. لذا تغییرات تاکتیکی‌ایی مانند فضاسازی، گفتمان‌سازی، تصویرسازی، تغییر فضای بازی برای خودتعیین‌کنندگیو اعتمادآفرینی که همگی از شاخص‌های طرح‌واره‌ی هویتی روحانی هستند نشان دهنده‌ی تلاش او برای ارائه و ارسال یک خودپنداره‌ی جدید تحت عنوان دولت متعامل‌میانه‌رو از خویش به طرف‌های مقابل بود تا بدین طریق مذاکره‌ی را برای رسیدن به توافق همواره کند. مولفه‌های این خودپنداره‌ی دولت روحانی را می‌توان بدین صورت نشان داد؛

جدول ۱. عناصر خودپنداره‌ی سیاست خارجی روحانی

سیاست‌خارجی	فرهنگ-اجتماع	اقتصاد	سیاست	شاخص
لیبرال[۱]	لیبرال[۲]	لیبرال[۳]	محافظه‌کار[٤]	اعتدال‌گرایی

منبع: نگارندگان

٤. خودپنداره‌ی انقلابی عمل‌گرایانه‌ی[٥] رئیسی در پرونده هسته‌ای

به قدرت رسیدن ابراهیم رئیسی در ۱۲ مرداد ۱٤۰۰ پیامدهای مهمی در تحول سیاست خارجی ایران به دنبال داشته است. در این راستا رئیسی در دوران انتخابات همواره تاکید می‌کرد که ابتدا به دنبال نظم بخشیدن در داخل است و درنتیجه او راه‌حل مشکلات را نه در خارج بلکه در داخل کشور جستجو می‌دید (Dareini,2021: 2). رئیسی در هنگام نام‌نویسی برای انتخابات ریاست جمهوری سیاست خارجی را نظام تعامل با همه کشورها به ویژه همسایگان تعریف کرد. او در سیاست خارجی ایران معتقد به تعامل با کشورهایی بود که قصد دشمنی نداشته باشند، و این تعامل را دوستانه، عزتمندانه و مقتدرانه تعریف کرد. از معدود موضع‌گیری‌های رئیسی در ارتباط با سیاست خارجی می‌توان به اولین کنفرانس خبری او اشاره کرد که در آن چارچوب سیاست خارجی خود را بیان کرد. وی سه اصل سیاست خارجی خود را عدم‌واگذاری امتیاز به آمریکا در مورد مذاکره مجدد بر سر برجام یا برنامه موشکی ایران، تقویت روابط با چین و روسیه و نهایتاً اولویت دادن به کشورهای همسایه ذکر کرد (Zaccara,2021: 5).

با توجه به این اصول، دکترین سیاست خارجی رئیسی را می‌توان انقلابی‌گری عملگرا نامید. این سیاست خارجی، از منظر تجدیدنظرطلبانه، چون در پی مقاومت در برابر هژمونی آمریکا است انقلابی بوده و باتوجه به آن که حامی چندجانبه‌گرایی و روابط با همه کشورهای جهان (بجز اسرائیل) است عمل‌گرا می‌باشد (Forough,2021: 3). درموضوع هسته‌ای

[۱]. تعامل با بازیگران عرصه بین‌الملل/ادغام در سیستم جهانی

[۲]. آزادی‌های فردی

[۳]. اقتصاد بازار

[٤]. حمایت از سیستم ولایت فقیه

[٥]. Pragmatic Revolutionism

رئیسی مذاکره و گفت‌وگو را بخشی از ابزارهایی می‌داند که در خدمت دیپلماسی است. در این خصوص وی ضمن اعتقاد به حل موضوع هسته‌ای بر مبنای مذاکره تاکید دارد که ایران از مذاکره و گفت‌وگو کوتاهی نمی‌کند، اما آمریکایی‌ها و غربی‌ها به دنبال مذاکره با فشار هستند و این در حالی است که مذاکرات برای جلوگیری از فشار انجام می‌شود. رئیسی این تاکتیک‌های فشار را مخالف با مذاکره تلقی و لذا به تیم سیاست خارجی خود در موضوع هسته‌ای تاکید داشت که مذاکره را در دستور کار قرار دهند، اما نه در سایه فشاری که غرب اتخاذ کرده است (Tasnim News Agency,2021: 1).

برپایه‌ی سخنان رئیسی می‌توان گفت که سیاست خارجی دولت او نه با توافق هسته‌ای شروع و نه به آن ختم می‌شود. براین اساس ضمن آن که موضوع توافق از دال‌های مرکزی گفتمان سیاست خارجی او تلقی نمی‌شود اما با مذاکراتی که بتواند منافع ایران را تأمین کند نیز مخالفتی ندارد. می‌توان گفت در دولت رئیسی موضوع مذاکره با غربی‌ها نه همانند دوره‌ی روحانی از منظر امنیت‌هستی‌شناختی نگریسته و همه چیز به آن وابسته می‌باشد و نه همانند دوره‌ی احمدی نژاد بر مواضع تهاجمی در مذاکره تاکید دارد. به‌واقع اصول برآمده از خودپنداره‌ی دولت رئیسی ذیل عنوان انقلابی‌گری عملگرا ضمن تاکید بر حفظ اصول و خطوط قرمز ایران، بر محور مذاکره برای رفع تحریم در سایه‌ی دیپلماسی عزتمندانه می‌چرخد. در این راستا جهت‌گیری ضدامپریالیستیِ قانون اساسی و سنت انقلابی بر مبنای مخالفت با آمریکا به عنوان دشمن غیرقابل اعتماد و ستون مهم ایدئولوژی ایران همچنان حفظ خواهد شد، لذا با این رویکرد واقع‌گرایانه و برپایه هویتی انقلابی اما رقابت‌جویانه، مذاکره بر کسب سود حداکثری یعنی بازی برد- باخت به نفع ایران استوار شده است. مولفه‌های این خودپنداره‌ی انقلابی عمل‌گرا را می‌توان بدین صورت نشان داد؛

جدول ۲. عناصر خودپنداره‌ی سیاست خارجی رئیسی

سیاست‌خارجی	فرهنگ-اجتماع	اقتصاد	سیاست	شاخص
تجدیدنظرطلب[1]	محافظه‌کار[2]	نگرش به شرق و همسایگان[3]	محافظه‌کار[4]	انقلابی

منبع: نگارندگان

۵. مقایسه ابعاد مختلف پایگاه تیم دولت روحانی و رئیسی در پرونده هسته‌ای

عرصه سیاست خارجی که به منافع ملی معنا می‌دهد مرتبط با نخبگان است، بنابراین هر تغییری در ادراک افراد می‌تواند منشاء تحولِ رفتار در سیاست خارجی شود. این امر نشان دهنده‌ی آن است که در کنار عوامل مختلف، این ادراک یا همان خودپنداره نیز نقشی اساسی در تعریف افراد از واقعیت و دنیای اطراف آنها دارد. پس ادراک نوعی انتخاب و این انتخاب متناسب با تصویر از خود است. از طرف دیگر همان‌طور که بیان شد اکتسابی بودن جنبه‌های زیادی از خودپنداره باعث می‌شود تا افراد در طول زندگی خویش خودپنداره‌ی ادراکی خود را تنظیم و بازتولید می‌کنند. بنابراین مقایسه‌ای از ابعاد مختلف پایگاه تیم مذاکره روحانی و رئیسی که درنتیجه عوامل اکتسابی به دست آمده‌اند می‌تواند عنصر مهمی در شناخت شکل‌گیری خودپنداره‌ی آن‌ها و درنتیجه نحوه‌ی کنش و تصمیم‌شان باشد.

به منظور سنجش برابر دو تیم، در هر دولت ۷ نفر به عنوان اعضای اصلی تیم مذاکره کننده مورد بررسی قرار گرفت. این افراد در تیم روحانی شامل ظریف، عراقچی، تخت‌روانچی، فریدون، صالحی، بعیدی‌نژاد و در تیم رئیسی شامل صفری، نجفی، پناهی، فکری، اسدزاده و شیبانی بودند. همچنین مبنای تخصص و دانشگاه محل تحصیل آنها آخرین مقطع تحصیلی در نظر گرفته شد. درخصوص آشنایی با زبان نیز مبنای انتخاب جستجو در بیوگرافی و نیز ویدئوها و توییترهای منتشر

[1]. تجدیدنظرطلبی محدود

[2]. آزادی‌های قانونی

[3]. اتکاء به توان داخلی و رویکرد غرب‌گریزی

[4]. حمایت از سیستم ولایت فقیه

شده این افراد با زبان انگلیسی و همچنین رجوع به رزومه آنها بوده است. نمودار زیر ابعاد مختلف پایگاه دو تیم هسته‌ای رئیسی و روحانی را نشان می‌دهد؛

نمودار ۱. ابعاد مختلف پایگاه تیم مذاکره کننده‌ی روحانی و رئیسی

منبع: نگارندگان

همان‌طور که از نمودار مشخص است بجز در مولفه‌ی میانگین سنی که تقریباً اختلاف آنچنانی بین دو تیم مذاکره کننده رئیسی و روحانی نیست، در سایر مولفه‌ها تفاوت بین دو تیم فاحش است. به عنوان مثال غلبه‌ی تخصصی در تیم دولت روحانی حوزه‌ی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. به عنوان مثال ظریف به عنوان مسئول مذاکرات دارای دکتری مطالعات بین‌الملل از دانشگاه دنور، عراقچی دکتری اندیشه سیاسی از دانشگاه کنت انگلستان، تخت‌روانچی دکتری علوم سیاسی از دانشگاه برن سوئیس و جمشید ممتاز دارای دکتری حقوق بین‌الملل از دانشگاه پاریس بود. این در حالی است که دولت رئیسی با در نظر داشتن اولویت اقتصاد تیم خود را برپایه‌ی افراد اقتصادی شکل داد. همچنین محل تحصیل اغلب اعضای تیم روحانی دانشگاه‌های خارجی بوده و همین را بسیاری از تحلیل‌گران به دلیل نقش آن در تعریف غرب نه به عنوان دشمن بلکه در حداکثر به عنوان رقیب، عامل مهمی در هم‌زبانی و رویکرد معطوف به حل مساله هسته‌ای از سوی این تیم می‌دانند. تأثیر دیگر این مولفه‌ی ایجاد اختلاف در تسلط به زبان طرف مقابل بین دو تیم روحانی و رئیسی است.

می‌توان گفت عناصر شکل دهنده به خودپنداره‌ی تیم هسته‌ای روحانی منجر به تغییر

هویتی، اجماع و روندهای جدیدی بر مدار گذار از محدودیت‌ها و با رویکرد معطوف به حل‌وفصل مناقشه هسته‌ای با هر درجه از سودی شد و در طرف مقابل ترکیب تیم رئیسی نشان می‌دهد که متأثر از همان ادراک از غرب به عنوان دشمن به دنبال حداکثر سود برپایه‌ی رفع تحریم‌های ظالمانه و غیرقانونی و اجتناب از مذاکرات فرسایشی است.

٦. شیوه‌ی تیم دولت روحانی؛ مذاکره تلفیقی[1]

مذاکره تلفیقی نوعی همکاری برای رسیدن به یک چیز مشترک است که در آن اعتماد بالایی میان طرفین وجود دارد. در مذاکره تلفیقی هر طرف ضمن تلاش برای رسیدن به هدف خود، به منافع طرف مقابل نیز توجه دارند. براین اساس از نظر مفهومی، در مذاکره تلفیقی صندلی‌های طرفین به اصطلاح از دو طرف میز در یک سمت قرار می‌گیرد. چرا که دشمن طرف مقابل نیست، بلکه مشکلی است که باید به آن پرداخته شود. لذا این شیوه مبتنی بر چانه‌زنی بوده و طرف‌های درگیر با یکدیگر همکاری می‌کنند تا راه‌حلی بیابند که نیازها و نگرانی‌های هر یک را برآورده کند. به این ترتیب هر دو طرف ممکن است از برخی نیازها و منافع خود برای رسیدن به راه‌حل چشم‌پوشی کنند (indeed,2021/A: 1). برخی از ویژگی‌های این نوع مذاکره عبارت است از؛ جریان باز اطلاعات بین طرفین؛ در این حالت، هر دو طرف صادقانه اهداف خود را برای ایجاد همخوانی به طرف دیگر گوشزد می‌کنند، راه‌حل پُل؛ پیدا کردن راهی برای تأمین اهداف طرفین، تاکید بر اهداف مشترک و متضاد؛ این که هر دو طرف درک کنند اهداف مشترک و مکملی دارند که تأمین آنها باید به گونه‌ای باشد که هر دو طرف را راضی نماید (Ghauri,2003: 4).

[1]. Integrative Negotiation

جدول ۳. مولفه‌های مذاکره تلفیقی

اهداف	نبود تضاد اساسی
ارتباط	اولویت بالا دارد
استراتژی	همکاری‌جویانه
انگیزه	سود متقابل
منابع	ثابت یا محدود نیست
اعتماد و همکاری	وجود دارد

منبع: نگارندگان

در تحلیل رویکرد مذاکره‌ی تیم دولت اعتدال اولین نکته آن است که بیش از هرچیزی باید بر نقش باورها و فرآیندهای شناختی و روانی افراد، درکشان از مقدورات و محذورات داخلی و خارجی، میزان تطابق باورها و شناخت‌شان از محیط داخلی و خارجی توجه کرد (فریدون و قوام،۱۳۹۷: ۱۸۵). این در معنای دیگر، آن روی خروجی سکه‌ی خودپنداره‌ی تیم روحانی است. باتوجه به این تأثیر که نتیجه‌ی جهان‌بینی و نیز فرآیندهای اکتسابی در تیم روحانی بود، شاخص‌هایی مانند اعتماد، راه‌حل پُل، حفظ ارتباط، منابع متعدد و تلاش برای ایجاد اهدافی که کاملاً در تضاد نباشند باعث اتخاذ رویکرد تلفیقی به عنوان مبنای مذاکره با طرف‌های غربی از سوی این تیم شد.

۱. اعتماد و ایجاد ارتباط

اتخاذ رویکرد خصمانه یا دوستانه نسبت به بازیگران دیگر در نظام بین‌الملل ناشی از ایده‌های شکل گرفته در ذهن و تکامل آنها در فرآیند تعاملات می‌باشد. بر پایه همین ساخت‌ها و فرآیند تعاملات با روی کار آمدن روحانی در سطح خارج از فضای رادیکالی فاصله گرفت و زمینه را برای ظهور شکل جدیدی از تعامل بین ایران و سایر بازیگران نظام بین‌الملل امکان‌پذیر ساخت. در همین ارتباط از دید روحانی به عنوان سکان‌دار سیاست خارجی حتی رقابت با ایالات متحده مانع برقراری روابط دیپلماتیک

بین دو کشور نبود و در این خصوص نزدیکان دولت وی بارها مدل دولت چین را مورد استناد قرار می‌دادند که با وجود اختلافات جدی دارای روابط اقتصادی و دیپلماتیک نزدیک هستند و معتقد بودند این می‌تواند در مورد ایران و آمریکا هم به کار رود (Adib Moghaddam,2014: 11). بنابر این اصل، تیم هسته‌ای دولت او نیز معتقد بود با وجود همه‌ی اختلافات می‌شود با آمریکا ارتباط داشت. اساس این ارتباط نیز اعتماد برپایه بازنمایی آمریکا به عنوان دیگریِ ایران بود که می‌توان با آن تعامل و نه حتماً تقابل داشت. درنتیجه این تیم با اذعان به جایگاه آمریکا در نظام بین‌الملل، راهکار کنار گذاشتن دیپلماسی نیابتی[1] و مذاکره مستقیم با آمریکا را شکل داد (غیور و جعفری،۱۳۹۵: ۹۵).

۲. تعامل برپایه‌ی منافع متقابل

توجه به انتظارات جدید در هردوسطح داخلی و خارجی باعث جابجایی دال‌ها و زمینه تعریف تیم روحانی از منافع و اولویت‌های برنامه هسته‌ای شد. در این سطح، بنابر توجه به انتظارات سطح خارج از هویت متعامل دولت اعتدال که خود را در بالاترین حد شباهت و نزدیکی با نرم‌ها و هنجارهای طرف‌های مقابل می‌دید تناسب‌گرایی به مهمترین ویژگی رویکرد تیم روحانی تبدیل شد. در این منطق دو طرف از معیارهای «مشابهت» و تناسب به جای «احتمال» و ارزش استفاده و درنتیجه منافع دو طرف براساس اجماع توافقی و درک متقابل توزیع شد (مصلی‌نژاد،۱۳۹۵: ۱۰۵). به عبارت دیگر تیم هسته‌ای روحانی با اعتقاد به محدودیت‌هایی که غرب بر ایران وارد می‌کرد تعامل را مسیر مصاف با این آنها تشخیص داد. چرا که معتقد بودند اهداف و کنش‌های ایران در شرایط تقابلی تحت محدودیت‌های شدید آنها قرار می‌گیرد، لذا در مسیر تصمیم‌گیری تا حدامکان به رعایت هنجارها و قواعد غرب نیز توجه داشتند. برهمین اساس برخلاف رویکرد ایدئولوژیک بر قاعده برد- برد تاکید و حتی مبتنی بر شاخص شیوه‌ی تلفیقی از چشم‌پوشی بخشی از نیازها برای رسیدن به نتیجه‌ی ابائی نداشتند. می‌توان گفت رویکرد تیم روحانی در مذاکره‌ی هسته‌ای هنجارپذیری بین‌المللی بود، به این معنا که به دنبال کسب مشروعیت بین‌المللی بودند. لازمه این امر حرکت در چارچوب منطق تناسبِ[2] ابتناء یافته بر هنجارها و مفاهیم بین‌الاذهانی بین‌المللی بود. این منطق همان رویکرد بین الملل‌گرایی تیم روحانی یعنی توجه به پارادایم ذهنی و عینی حاکم بر منافع طرف مقابل و تعامل با آنها در جهت تأمین آن منافع بود.

۱. Proxy Diplomacy

۲. Logic of Appropriateness

۳. منابع و راه‌های متعدد

از شاخص‌های رویکرد تیم دولت اعتدال، «انتخاب از میان گزینه‌های موجود» در قیاس با انتخاب‌های دولت قبل از خود یعنی «میان همین گزینه‌های موجود» بود (رسولی‌ثانی‌آبادی، ۱۳۹٤: ۱۰۳). لذا آنها این ایده که ما در برابر جهان تنها دو راهکار داریم که یا باید تسلیم شویم یا جهان را شکست دهیم غیرمنطقی تلقی می‌کردند. به این ترتیب این تیم در کنار منابع فرعی مانند مذاکره مستقیم با نمایندگان آمریکا، از دو منبع اصلی دیگر یعنی تقویت چندجانبه‌گرایی و امتیازدهی و امتیازگیری «برد- برد» استفاده می‌کرد. در خصوص توجه به قاعده چندجانبه‌گرایی باید گفت «دیپلماسی هسته‌ای در رفت و آمد[۱]»(جعفری و جانباز، ۱۳۹۵: ۱۱۳) تیم روحانی زمینه تقویت و غلبه چندجانبه‌گرایی را فراهم کرد. مهم‌ترین کارکرد این قاعده درگیرسازی طرف‌های سوم و بهره‌مندی از توان آنها برای بهبود وضعیت چانه‌زنی در دیپلماسی بود. در پرتو گزاره برد – برد یا رویکرد هزینه و فایده نیز برای این تیم تنها مجبور کردن سایر بازیگران به پذیرش مواضع ایران مهم نبود، بلکه در این مسیر هزینه دادن و تأمین منافع طرف مقابل هم مورد توجه قرار گرفت (نیاکویی و زمانی،۱۳۹۵: ۱۹٤). در نتیجه مذاکرات ارتباط بین خواسته طرف مقابل و ایران تعریف شد که هم می‌توانست احساس باخت در طرف مقابل ایجاد نکند و هم منافع و حقوق ایران را تأمین کند. در سطح داخلی نیز روحانی با انتقال پرونده هسته‌ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه منبع جدید دیگری در دسترس تیم خود قرار داد. این انتقال سه پیام مهم را به همراه داشت. اول آن که به معنی تحت کنترل گرفتن مذاکرات از سوی روحانی بود (Wastnidge,2016: 1). دوم این که باعث شد تا وزیر امور خارجه به عنوان مذاکره کننده ارشد در مذاکرات حاضر و به همین ترتیب مذاکرات در سطح وزرا دنبال شود که این زمینه اراده سیاسی برای به نتیجه رسیدن مذاکرات را فراهم کرد. نهایتاً با این انتقال، پایه شکل‌گیری گروه کوچک در وزارت خارجه شکل گرفت و این گروه به مرکز مدار فرآیند تصمیم‌گیری این دوره در پرونده هسته‌ای تبدیل شد.

۱. Shuttle Nuclear Diplomacy

۷. شیوه‌ی تیم دولت رئیسی؛ مذاکره‌ی توزیعی[۱]

مذاکره توزیعی به‌معنای چانه‌زدن برای تقسیم یک ارزش ثابت است؛ درست مثل وقتی که برای تکه بزرگ‌تر کیک می‌جنگیم. در مذاکره توزیعی، تنها یک مسئله وجود دارد که آن هم معمولاً «قیمت» است (Shonk,2021: 1). قیمت به معنای ارزش چیزی است که به دست می‌آوریم. به عبارت دیگر هدف در این نوع مذاکره رسیدن به بیشترین میزان سود است، لذا هر طرف سعی می‌کند سهم خود را به حداکثر برساند (Benetti, Ogliastri and Caputo,2021: 3). به‌واقع همه سعی می‌کنند از منافع خود محافظت کرده و به منافع طرف مقابل اهمتی نمی‌دهد (Kolmačková,2011: 15). یکی از تاکتیک‌های مورد استفاده در این شیوه‌ی مذاکره از دست دادن علاقه است، به این معنا که در آن یکی از طرفین وانمود می‌کند که علاقه خود را برای پیگیری یک توافق از دست داده است (Indeed,2021/B: 4). از مهمترین عناصر این نوع مذاکره می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ تنها اطلاعاتی که لازم است فاش و ارائه می‌شوند، تلاش براین است که طرف مقابل اولین پیشنهاد را ارائه دهد، بین طرفین بعد از توافق ارتباطی وجود نخواهد داشت و در نهایت یک نوع بی‌اعتمادی بین طرفین وجود دارد.

جدول ٤. مولفه‌های مذاکره توزیعی

اهداف	در تضاد اساسی
ارتباط	نداشتن اولویت بالا
استراتژی	رقابتی
انگیزه	سود خود
منابع	ثابت یا محدود
اعتماد و همکاری	کم

منبع: نگارندگان

۱. Distributive Negotiation

همان‌طور که بیان شد باورها و ساختارهای متأثر از ویژگی‌های کارگزاران سیاست خارجی به عنوان خودپنداره ضمن تعریف هویت دولت، باعث غلبه‌ی هنجارهایِ متناسب با آن به عنوان نقشه‌های مسیر برای اقدامات سیاست خارجی می‌شود (Bjorkdahl,2002: 22). براساس این امر باید گفت در دولت رئیسی کدهای از قبل موجود که به عنوان خودپنداره از آنها نام می‌بریم، زمینه‌ی انتخاب شیوه‌ای خاص در مذاکره‌ی هسته‌ای را تجویز می‌کند که این امر در معنای درست تلاش برای صیانت از تصویر ذهنی یا همان خودپنداره‌ی خویش است. البته روی دیگر سکه‌ی این تصویر از خود در مذاکرات آنتی‌تزی در مقابل استراتژی دولت روحانی بود که اجزای آن را می‌توان بدین صورت نشان داد؛

شکل ۳. شاخص‌های مذاکره‌ی تیم رئیسی در مقابل تیم روحانی

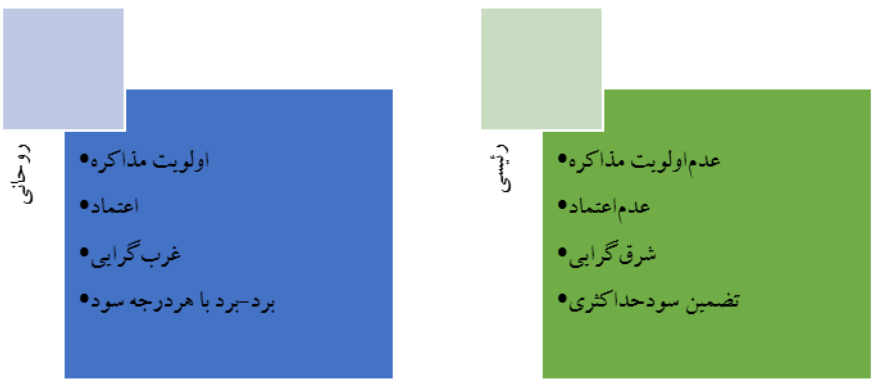

منبع: نگارندگان

به این ترتیب خودپنداره‌ی تیم رئیسی در تعریف از خود و یا نشان دادن خود به گونه‌ای که می‌خواهد باشد [انقلابی عملگرا] زمینه‌ی اتخاذ رویکرد توزیعی که به بهترین شکل ممکن منطبق بر عناصر این خودپنداره‌ی است را ذیل شاخص‌های زیر فراهم آورد؛

۱. کسب قیمت نهایی (حداکثر سود)

تیم دولت رئیسی دستور کار متفاوتی نسبت به پیشینیان خود اتخاذ کرد. به این معنا که اولاً بازگشت به مذاکرات هسته‌ای را در اولویت قرار نداد و ثانیاً به تعامل سخت‌تر با غرب پایبند بود (EPC,2021: 4). تأخیر ابتدایی در بازگشت به مذاکرات وین دقیقاً تاکتیکی برای سنجش آمادگی طرف مقابل در میزان واگذاری امتیاز به ایران بود. چرا که اعتقاد کلی تیم جدید آن است که مذاکرات انجام شده در دوره قبل به نفع مردم ایران نبوده است. به همین

دلیل می‌توان گفت این تیم اگرچه در تئوری مخالف مذاکرات هسته‌ای نیست، اما در عمل با لحن و سبکی که کشورهای ۱+۵ تمایلی به آن ندارند، به موضوع می‌پردازد (Caner,2021: 5). از سوی دیگر علیرغم این که تیم رئیسی تمایل خود را برای احیای توافق هسته‌ای و دستیابی به لغو تحریم‌ها ابراز کرده، اما با هرگونه مذاکره درباب محدودیت توان موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای خود مخالف است. امیرعبدالهیان در این خصوص طی چندین موضع‌گیری تاکید کرده که رویاهای آمریکایی برای مذاکره بر سر برنامه موشکی ایران هرگز محقق نخواهد شد چرا که توان موشکی ایران ارزش راهبردی تلقی می‌شود. لازم به ذکر است که امیرعبداللهیان دارای مدرک دکتری در روابط بین‌الملل، با دانشمندان «واقع‌گرا» هم‌نظر است که جوهر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را «قدرت» شکل می‌دهد و لذا باید انتظار داشت که بسیار بیشتر ظریف از توان موشکی ایران حمایت کند (Azodi,2021: 6). به این ترتیب باید گفت که تیم جدید با توجه به متضاد بودن منافع ایران و غربی‌ها، یک نقطه‌ی حداکثری برای خود درنظر گرفته که برمبنای آن به مذاکره خواهد پرداخت و لذا هرگونه‌ی تغییر در این ارزش نهایی که همان نگاه به منافع از دریچه‌ی واقع‌گرایی آن هم مبتنی بر عزت، اقتدار و تضمین به تعهد است باعث بهره‌گیری از تاکتیک دیگر شیوه‌ی توزیعی یعنی عدم‌علاقه، تأخیر و یا ترک میزمذاکره خواهد شد.

۲. آستانه‌ی تحمل و عدم ارتباط بعدی

تیم مذاکره‌کننده‌ی رئیسی اگرچه به دنبال ایجاد توافق مجدد است اما نشان داده که اولویت اصلی و راهبردی‌شان صرفاً مذاکره و یا برجام نیست، برهمین اساس این تیم اگرچه مخالف فرسایشی شدن مذاکرات می‌باشد ولی با توجه به این که هدف اصلی آنها یک مذاکره نتیجه‌محور است درنتیجه ابائی از طولانی شدن روند مذاکرات نیز ندارند. نکته اصلی در این روند آستانه‌ی تحمل این تیم می‌باشد، به این معنا که آنها نشان داده‌اند درصورتی که طرف مقابل بخواهد بیشتر از توافق قبلی امتیاز بگیرد و درعین حال کمتر از همان توافق منافع ایران را تأمین کند همان‌طور که بیان شد از تاکتیک ترک میز مذاکره بهره خواهد گرفت. استراتژی رئیسی در تغییر نگاه به غرب آسیا و نیز تلاش برای رفع اختلافات با همسایگان که هدف اصلی آن غلبه بر چالش‌های اقتصادی با همکاری دولت‌های این مناطق است تاییدی بر همین ادعاست که تیم او بین اقتصاد به عنوان جدی‌ترین چالش کنونی جمهوری اسلامی و غرب

پیوندی برقرار نکرده و لذا هر زمانی که تشخیص بدهند مذاکرت در جهت برد بیشتر غرب یعنی آستانه‌ی تحمل ایران پیش می‌رود آن را متوقف می‌کنند.

یکی از اصول شیوه‌ی مذاکره توزیعی آن است که پس از توافق ارتباطی بین طرفین وجود نخواهد داشت. در این خصوص می‌توان گفت طرف اصلی مذاکره‌ی هسته‌ای یعنی آمریکا مبتنی بر خروجی خودپنداره تیم دولت رئیسی یعنی نگاه به این کشور نه به عنوان رقیب بلکه به عنوان دشمن است. درواقع با توجه به این که نگاه و تصور نخبگان از دیگران نقشی اساسی در فهم سیاست خارجی دارد (Hudson and Vore,1995: 218)، لذا می‌توان گفت بدعهدی آمریکا نسبت به توافقی بین‌المللی و خروج یک‌جانبه از آن به موازات حافظه‌ی تاریخی ایرانیان از آمریکا باعث شده تا تیم مذاکره کننده‌ی دولت رئیسی بر نقطه‌ی مرجع ادراک ذهنی خود یعنی نتیجه‌محوری مذاکرات آن هم صرفاً در موضوع هسته‌ای تاکید کند و علاقه‌ای به ارتباط با آمریکا نداشته باشد. در همین خصوص پاسخ صریح رئیسی به سؤال یک رسانه آمریکایی مبنی بر اینکه آیا در صورتی که مذاکرات منجر به لغو تحریم‌های آمریکا علیه ایران شود، با همتای خود دیدار و تلاش خواهد کرد تا مسائل بین دو دشمن سرسخت را رفع کند «نه قاطع» بود (France24,2021: 2). این بدان معناست که تیم جدید بدون ایجاد ارتباط مستقیم با آمریکا صرفاً در محدوده‌ی موضوع هسته‌ای آن هم فقط تا تعیین نتیجه ارتباط خواهد داشت.

۳. واقع‌بینی و عدم‌اعتماد

بین تغییر سیاست خارجی و ادراک تصمیم‌گیرندگان از شکست و ترس از هزینه‌های تداوم رویکردهای پیشین آن ارتباط مستقیمی وجود دارد (نیاکویی و صفری،۱۳۹٦: ۹۰). با توجه به این اصل گفتمان تیم رئیسی بر پایه ارزیابی تجربه‌ی گذشته و در چارچوب امنیت هستی‌شناختی به قطعیت دشمنی آمریکا با ایران رسید. به‌واقع از پنجره‌ی جهان‌بینی تیم دولت رئیسی در صحنه سیاست خارجی آمریکا دشمنی ثابت و دائمی برای جمهوری اسلامی ایران است و هدف این دشمن نیز محروم کردن ملت ایران از حقوق خود می‌باشد. درنتیجه دال مرکزی گفتمان هسته‌ای تیم رئیسی حول کسب منافع واقعی با حداکثر سود و تضمین رسیدن به این منافع مفصل‌بندی شده است. به این ترتیب تصمیم‌گیری تیم او برپایه‌ی واقع‌بینی و عدم‌اعتماد به آمریکا و حتی اروپائیان خواهد بود. در این خصوص شاه‌کلید تیم رئیسی آن است که آنها تاکید دارند اقتصاد کشور را به مذاکره گره نخواهند

زد. البته همان‌گونه که قبلاً نیز عنوان شد این به معنای عدم‌پایبندی به میز مذاکره نیست، چرا که رئیسی از همان دوره‌ی تبلیغات تا پس از به قدرت رسیدن همواره تاکید داشته که ایران معتقد به مذاکره است اما در مقابل زیاده‌خواهی‌ها هم که دنبال تضییع منافع ملت ایران هستند ایستادگی خواهد کرد. استراتژی تیم رئیسی ذیل این واقع‌بینی همان دیپلماسی تعامل هوشمند مورد اشاره رئیسی است. در همین ارتباط روزنامه گاردین در تحلیلی نوشت؛ به نظر می‌رسد دولت جدید ایران بیش از آن که از طریق مذاکرات وین به دنبال خنثی‌سازی اثر تحریم‌ها باشد، به دنبال تقویت روابط با همسایگان، کشورهای آسیای شرقی و آسیای میانه است (خبرگزاری فارس،۱٤۰۰: ۱). اذعان به عدم‌نتیجه‌ی و به عبارتی شکست مطلق مذاکرات حتی در کشور ثالثی مانند قطر بیش از هرچیزی گویای تاثیرگذاری عدم‌اعتماد به طرف‌های مقابل در روند مذاکره‌ی تیم رئیسی است.

نتیجه‌گیری

اگرچه ایران یک کلیت ساختاریِ مبتنی بر خطوط قرمز و اصول مدنظر خود در همه‌ی ادوار مذاکره‌ی موضوع هسته‌ای داشته و به آنها پایبند بوهد، ولی تاکتیک‌های اجرایی از سوی دولت‌های مختلف بسیار متحول، متفاوت و متضاد بوده است. ریشه‌ی اصلی این کنش‌های متلون که دال مرکزی همه‌ی گفتمان‌های حاضر در مذاکرات بوده و زمینه‌ی کنش متفاوت آنها را به وجود می‌آورد مفهوم «نگاه به خود» است. این مفهوم که در روانشناسی آن را خودپنداره می‌نامند در غالب موراد بر سایر متغیرها چیره و یا حداقل تأثیر آنها را در صورتی که منطبق با آن تصویر نباشد تعدیل و به حداقل می‌رساند. باتوجه به این اصل نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل مؤثر در شکل‌گیری خودپنداره بر دو پایه‌ی ذاتی و اکتسابی یعنی عناصری مانند جهان‌بینی، باورها، قواعد، هنجارها، ادراک، نحوه‌ی رشد سیاسی، تحصیلات و... در دو دوره‌ی روحانی و رئیسی منجر به ارائه دو تصویر متفاوت از آنها شد. در سیاست خارجی روحانی به دلیل غلبه‌ی حساسیت نسبت به تصویر خود از سوی دیگران، این تصویر ذیل تعامل اعتدال‌گرایانه تعریف و این نوع خودپنداره رسالت و نقشی خاص به دولت او ارائه کرد. به این معنا دولت روحانی با تعریف هویت خود به عنوان دولتی مصالحه‌جو تلاش کرد مناقشه‌ی هسته‌ای را به هر طریقی که شده حل‌وفصل کند. در این مسیر همان خودپنداره و هویت ایجاد شده باعث شد تا تیم هسته‌ای روحانی از شیوه‌ی مذاکره‌ی تلفیقی که شاخص‌های در تناسب

با فرم هویتی و تصویر دولت روحانی بود استفاده کنند. در این شیوه تیم روحانی برپایه‌ی عناصری مانند توجه به منافع متقابل، اعتماد، همگرایی، راه‌حل‌های متعدد و ایجاد ارتباط مستقیم با آمریکا بهره گرفت. در سمت مقابل خودپنداره‌ی دولت رئیسی که تصویر از خود را ذیل مفهوم انقلابی عمل‌گرا تعریف کرد و بیش از حساسیت نسبت به احساس تصور دیگران از این تصویر، به احساس ذهنی خود و سطح داخلی در نگاه به این تصویر از خود حساس بود باعث تجویز رسالتی انقلابی، ایدئولوژیک و تجدیدنظرطلبانه شد. برپایه‌ی این هویت و رسالت تیم هسته‌ای او براساس تجربه‌ی گذشته‌ی کنش غرب و خروج یک‌جانبه‌ی آمریکا از موافقت با ایران، ضمن تغییر راهبرد ایران از نگرش به غرب به سوی شرق‌گرایی، از شیوه‌ی مذاکره‌ی توزیعی با طرف‌های مقابل مبتنی بر عناصری مانند توجه صرف به سود و منفعت ملی ایران، تلاش برای کسب حداکثر سود و گرفتن تضمین دستیابی به آن، عدم‌اعتماد، عدم نیاز به ارتباط مستقیم با آمریکا و در یک کلام استراتژی رقابتی بهره می‌گیرد.

کتابنامه

انصاری، محمدمهدی و ابراهیم برزگر (۱۳۹۳). «الگوی پرورش و گزینش نخبگان سیاسی در جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ٤(۱)، ۱٤۹-۱۱۹.

باقری‌دولت‌آبادی، علی و اسماعیل مردانلو (۱۳۹٤). «عوامل مؤثر در دست‌یابی به توافق هسته‌ای در دولت یازدهم». فصلنامه پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین الملل. ۳(۲)، ٤۸-۲۸.

پورحسین، رضا (۱۳۸۳). روانشناسی خود. تهران: انتشارات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

جعفری، علی‌اکبر و دیان جانباز (۱۳۹۵). «تنوع گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وجوه دیپلماسی نوین هسته‌ای». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. ٤(۱٦)، ۱۲۰-۹۳.

خبرگزاری فارس (۱٤۰۰). «کارنامه ۱۰۰ روزه سیاست خارجی رئیسی». قابل دسترس در: http//www.farsnews.ir/news/14000912000285/%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D9%86%D8%A7%D9%85.

دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال و مهدی عطایی (۱۳۹۳). «گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم». فصلنامه مطالعات راهبردی. ۱۱(۱)، ۱۲۰-۸۷.

رسولی‌ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹٤). «رویکردهای چهارگانه تجزیه و تحلیل سیاست خارجی: مورد دولت یازدهم». فصلنامه روابط خارجی. ۷(۲۵)، ۱۲۰-۹۳.

رضائی، علی‌رضا و قاسم ترابی (۱۳۹۲). «سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا». فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. ۵(۱۵)، ۱٦۲-۱۳۱.

روزنا، جیمز (۱۳۸٤). آشوب در سیاست جهان؛ نظریه‌ای درباره دگرگونی و پیوستگی. ترجمه علیرضا طیب. تهران: انتشارات روزنه.

سلطانی‌نژاد، احمد، گودرزی، سهیل و مصطفی نجفی (۱۳۹٤). «توافق وین: تداوم یا تغییر در دیپلماسی هسته‌ای؟». فصلنامه پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل. ۸(۳۱)، ۲۰۳-۱۷۵.

عابدینی، حسن و جهانبخش ایزدی (۱۳۹٦). «نقش متغیرهای داخلی بر الگوی سیاست‌گذاری هسته‌ای دولت یازدهم». فصلنامه مطالعات سیاسی. ۹(۳۵)، ۷٦-۵۱.

علیپوریان، طهماسب و احد نوری‌اصل (۱۳۹۳). «تحول یا تغییر گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: مقایسه سیاست خارجی دوران احمدی نژاد و روحانی». فصلنامه مطالعات سیاسی، ۷(۲۵)، ۱۰۸-۷۹.

غیور، رامین و هانیه جعفری (۱۳۹۵). «قدرت نرم و توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۱+۵». فصلنامه پژوهش ایرانی سیاست بین‌الملل. ٤(۲)، ۱۱۸-۸٦.

فریدون، حسین و عبدالعی قوام (۱۳۹۷). «عوامل مؤثر بر گفتمان اعتدال در سیاستگذاری عمومی؛ مطالعه موردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر پیش نظریه جیمز روزنا». فصلنامه سیاستگذاری عمومی. ٤(۱)، ۱۹٦-۱۷۷.

متقی، ابراهیم و سارا صفاری‌امان (۱۳۹۵). «پیوند ژئوپلیتیک و گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات خاورمیانه. ۲۳(۲)، ۳۰-۵.

مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۵). «دیپلماسی هسته‌ای و راهبرد مصالحه در سیاست خارجی ایران». فصلنامه سیاست جهانی. ۵(۳)، ۱۳۰-۹۷.

نیاکویی، سیدامیر و عسگر صفری (۱۳۹٦). «راهبردهای هسته‌ای متفاوت ایران؛ تبیینی از دریچه واقع‌گرایی کلاسیک». فصلنامه سیاست جهانی. ٦(۲)، ۱۲۲-۸۵.

نیاکویی، سیدامیر و محسن زمانی (۱۳۹۵). «تبیین دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم با بهره‌گیری از مدل تصمیم‌گیری روزنا». فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. ٦(۲۳)، ۲۱۷-۱۸۱.

Ackerman, Courtney (2021). "What is Self-Concept Theory"?. In: positivepsychology. Available at: http//positivepsychology.com/self-concept.

Adib Moghaddam, Arshin (2014). "Iran in world politics after Rouhani". In: Iran-US Rapprochement Iran's Future Role, Al-Smadi, Fatima. AlJazeera Center for Studies. available at: http//studies.aljazeera.net/en/dossiers/2014/03/2014331104216470669.html.

Arikan, Pinar (2014). "Change in Foreign Policy of Iran Under Rouhani Government and Its Reflections in Domestic Politics". Orsam Review Of Reglonal Eglonal Affairs. 1, 1-8.

Azodi, Sina (2021). "New Iran Leadership Complicates Negotiations". In: the Arms Control Association. Available at: http//www.armscontrol.org/act/2021-10/features/new-iran-leadership-complicates-negotiations.

Benetti, Sara, Enrique Ogliastri and Andrea Caputo (2021). "Distributive/Integrative Negotiation Strategies in International Contexts: A Comparative Study". Journal of Management & Organization. 27(4),1-23.

Bjorkdahl, Annika (2002). "Norms in International Relations: Some Conceptual and Methodological Reflections". Journal Cambridge Review of International Affairs. 15(1), 9-23.

Caner, Mustafa (2021). "Raisi's Foreign Policy: Notes on Iran's New Cabinet". In: Politics Today. Available at: http//politicstoday.org/raisis-foreign-policy-notes-on-irans-new-cabinet//.

Dareini, Ali Akbar (2021). "Iran's Foreign Policy under Raisi". In: Al Jazeera Centre for Studies. Available at: https://studies.aljazeera.net/sites//defauit/files/articles/documents/202107/Iran%E2%80%99s%20Foreign%20Policy%20under%20Raisi.pdf.

EPC (2021). "Iran's Foreign Policy Under Ebrahim Raisi: General Directions and New Faces". Available at: http//epc.ae/details/featured/irans-foreign-policy-under-ebrahim-raisi-general-directions-and-new-faces.

Forough, Mohammadbagher (2021). "Raisi's Foreign Policy: Pragmatic Revolutionis m and the Iranian Pivot to Asia Research Fellow". GIGA FOCUS. 7, 1-12.

France24 (2021). "Iran's Raisi says won't allow nuclear negotiations for negotiation's sake". Available at: http//www.france24.com/en/live-news/20210621-iran-s-raisi-says-won-t-allow-nuclear-negotiations-for-negotiation-s-sake.

Ghauri, Pervez (2003). International Business Negotiations. UK: Emerald Group Publishing Limited.

Hermann, Margaret (1980). "Explaining Foreign Policy Behavior Using the Personal Characteristics of Political Leaders". International Studies Quarterly. 24(1), 7-46.

Hudson, Valerie M. and Christopher S. Vore (1995). "Foreign Policy Analysis Yesterday, Today, and Tomorrow". Mershon International Studies Review. 39(2), 209-238.

Hurlock, E.B. (1979). Personality Development. New York: Mcgraw Hill Kogakusha.

Indeed (2021/A). "Integrative Negotiation: Definition, Tips and Examples". Available at: http//indeed.com/career-advice/career-development/integrative-negotiation.

Indeed (2021/B). "4 Types of Negotiation (With Tips and Examples)". Available at: http//www.indeed.com/career-advice/career-development/types-of-negotiation.

Kaarbo, Juliet (1997). "Prime Minister Leadership Styles in Foreign Policy Decision-Making: A Framework for Research". Political Psychology. 18(3), 553-581.

Kaarbo, Juliet, Jeffrey S. Lantis and Ryan K. Beasley (2012). "The Analysis of Foreign Policy in Comparative Perspective". In: Foreign Policy in

Comparative Perspective Domestic and International Influences on State Behavior. United States: CQ Press.

Kolmačková, Martina (2011). Strategies and Tactics of Effective Business Negotiation. Bachelor Thesis. Faculty of Humanities. Tomas Bata University Zlin.

Monshipouri, Mahmood and Manochehr Dorraj (2013). "Iran's Foreign Policy: A Shifting Strategic Landscape". Middle East Policy. (20)4, 133-147.

Rathod, Sangeeta K. (2019). "A Study of Self-concept and Emotional Stability in Students". Journal Of Humanities And Social Science. (24)8, 7-10.

Rezaei, Farhad (2017). Iran's Nuclear Program1979-2015: A Study in Proliferation and Rollback. Switzerland: Palgrave Macmillan.

Rosenau, James (1971). The scientific study of foreign policy. New York: The free press.

Scruton, Roger (2007). The Palgrave Macmillan Dictionary of Political Thought, Third Edition. New York: Palgrave Macmillian.

Shonk, Katie (2021). "What Is Distributive Negotiation?". In: The Program on Negotiation(PON). Available at: http//www.pon.harvard.edu/daily/negotiation-skills-daily/what-is distributive-negotiation/.

Tasnim News Agency (2021). "Negotiations Must End Sanctions: Iranian President". Available at: https://www.tasnimnews.com/en/news/2021/09/05/2566049/negotiations-must-end-sanctions-iranian-president.

Wastnidge, Edward (2016). "Strategic Narratives and Iranian Foreign Policy into the Rouhani Era". available at: http://www.e-ir.info/2016/03/10/strategi c-narratives-and-iranian-foreign-policy-into-the-rouhani-era/.

Wehrle, Katja and Ulrike Fasbender (2018). "Self-Concept". In: Encyclopedia of Personality and Individual Differences. Available at: file:///C:/Users/PAYTAKHT/AppData/Local/Temp/WehrleFasbender2019_Self-concept.pdf.

Weldes, Jutta (1996). "Constructing National Interests". European Journal of International Relations. 2(3), 275-318.

Zaccara, Luciano. (2021). "Iran's presidential election 2021: what to expect from Ebrahim Raisi's first term". In: Elcano Royal Institute. Available at: http//realinstit utoelcano.org.